**مقررات صادرات و واردات و مساله تورم**

**نگاهی کوتاه به قانون صادرات سال 1366**

قانون صادرات سال 1366 با حدود 6 ماه تاخیر،از تاریخ 21 شهریور ماه 1366 رسما به اجرا درآمد.این قانون در یازدهم تیر ماه به تصویب‏ مجلس شورای اسلامی و در بیست و دوم همان ماه به تائید شورای نگهبان‏ رسید.مراحل تدوین آئین‏نامه اجرائی و تصویب آن در هیئت دولت،کار اجرای‏ آن را به نیمه دوم سال کشاند و با این توصیف،نیمی از سال 66 با سیاستهای‏ باز سال قبل،و نیمی دیگر با سیاستهای بسته قانون دائمی تلقی شده و برای سالهای بعد نیز معتبر است.دولت موظف است از این پس مواد جدید یا مواردی را که در قانون نیز به اصلاح دارند،همزمان با لایحه بودجه سالانه،جهت تصویل به‏ مجلس تقدیم کند.

قانون و آئین‏نامه صادرات و واردات سال جاری،بیش از همه سالهای بعد از پیروزی انقلاب درگیر بحث و مجادله بوده و این امر به دلیل نقش حساس آن‏ در ساختار بازرگانی و اقتصادی کشور است.گذشت نزدیک به ده سال از انقلاب،اهمیت و حصاسیت این قانون و مقررات آن را برای مسئولین و برنامه‏ریزان کشور روشن کرده است.به همین دلیل وزارتخانه‏های صنعتی و اقتصادی و بازرگانی کشور کوشش بسیاری بکار برده‏اند تا سیاستههای‏ متفاوت خود را در قالب این مقررات پیاده نمایند.اما قانون صادرات و واردات‏ سال جاری،از ویژگی مهمتری نیز برخوردار است و این ویژگی،تفکر جدیدی‏ است که بر آن حاکم شده و آن اتخاذ سیاستهای هماهنگ اقتصادی،بازرگانی با هدف متمرکز کردن این سیاست‏هاست.نگرشی که متاسفانه جای خالی آن به‏ ویژه در سالهای اخیر در تدوین مقررات صادرات و واردات به شدت احساس‏ می‏شد.

نگرشی صرفا بازرگانی،بر مقرراتی که تاثیرات خود را بر همه زوایای‏ اقتصادی-اجتماعی جامعه ظاهر می‏سازد،عملا این مقررات را تبدیل به عامل‏ موثری در جهت تشدید نابسامانی‏های اقتصادی جامعه می‏کند.نمونه این‏ سیاستها بویژه در یکی دو سال اخیر فراوان است.مقرراتی که بعدها بعنوان‏ مقررات واردات شناسنامه‏ای شناخته شد و با خود تورمی فزاینده(بهمراه‏ کالاهای نامرغوب)برای جامعه به ارمغان آورد،از جمله سیاستهای پر ضایعه‏ برای اقتصاد کشور بود که اثرات زیان بار آن به سادگی مرتفع نخواهد شد.گرچه‏ مسئولین وزارت بازرگانی در خاتمه کار از اتخاذ چنین سیاست مشکل‏افزائی‏ تبری جسته و تصریحا عنوان نمودند که هدف آنها از گنجاندن تبصره مربوطه در قانون سال قبل آزاد نمودن ورود کالا با شناسنامه افراد کشور نبوده،اما این خود دلیل بارزی است که تدوین چنین مقرراتی نیازمند به بینشی آگاهانه و همه‏ سونگر است تا از وقوع موارد مشابه پیش‏گیری به عمل آید.

از سال 1336 هجری شمسی که دولت وقت نحوه تدوین و تنظیم مقررات‏ صادرات و واردات را دگرگون ساخت و سایه کمرنگ قانون انحصار بازرگانی‏ خارجی را از بین برد تاکنون می‏توان بصورت گذرا مقاطعی را در تدوین‏ مقررات صادرات و واردات مشخص نمود.ابتدا باید به سال 1353 اشاره کرد که به رلیل افزایش قیمت‏های نفت،سال تشدید اعمال سیاستهای«درهای باز» بوده است.مقطع بعد سال 1357 یعنی سال پیروزی انقلاب اسلامی است که‏ بنیانهای اقتصادی رژیم قبل را متزلزل و فکر استقلال اقتصادی و عدم‏ وابستگی را به ارمغان آورد.بعد از آن سال 1360 را میتوان ذکر کرد که در آن‏ سال صادرات نفت کشور به کمتر از یک میلیون بشکه در روز رسید و موجب‏ تشکیل کمیته تخصیص ارز شد،تا ارز به اولویت‏های وارداتی اختصاص‏ یابد.سپس سال 1362 با واردات بی‏سابقه خود شناخته شد و در همین سال مجلس‏ شورای اسلامی با تصویب طرحی حاکمیت خود را بر تدوین مقررات صادرات‏ و واردات عینیت بخشید.در سالهای 63 و 64 همگام با توطئه کاهش بین‏المللی‏ قیمت نفت،کوششهائی در جهت تثبیت سقف واردات کالاها به عمل آمد.

پرداخت‏های ارزی کشور در سال 1363 حدود 19 میلیارد دلار بود ولی‏ در سال 64 به حدود 5/13 میلیارد دلار کاهش یافت.در همین سالها،زمینه‏های‏ آماده تورم که بنا بدلایل مختلف بر شئونات اقتصادی جامعه عارض شده بود، بستر مناسب و مساعدتری جهت گسترش یافت و در سال 65 که سال«صادرات‏ غیرنفتی»نامیده شد و طی آن«فروش واریزنامه»و«واردات شناسنامه‏ای» مجاز و«فروش ارزی-ریال»باب شد،تفاوت ناشی از نرخ ارز آزاد و رسمی‏ به تولید و اقتصاد کشور تزریق گشته و تورمی لجام گسیخته ولی نیمه رسمی‏ به صورت مضاعف ارکان اقتصادی جامعه را دستخوش تزلزل و تحول کرد.در اوایل این سال،قیمت هر بشکه نفت به کمتر از ده دلار رسید و قدرت خرید دلار نیز بیش از سی درصد تنزل یافت.

سالهای بعد از پیروزی انقلاب،با همه اختلافات و تباین‏هائی که با هم‏ دارند از بسیاری جهات شرایط مشابهی نیز داشته‏اند:توطئه و جنگ با انقلاب و اقتصاد کشور دائما با فشارهائی از داخل و خارج مواجه بوده است.

تولید وضعیت بهنجاری نداشته و تنشهای سیاسی و اجتماعی نیز مزید بر علت‏ شده است.نفت عنصر تعیین‏کننده اقتصاد کشور و نقش آن‏رو به افزایش بوده‏ است.این شرایط کمابیش مشابه،سیاست‏گذاری هماهنگ و واحدی را میطلبید که تاکنون توفیقی در این زمینه بدست نیامده است.

حاکمیت برخی تفکرات لیبرالی بر این مقررات در آغاز،سپس تدوین آن با زمینه‏های فکری جناحی که در جامعه به عنوان رادیکال معرفی شده است‏ و سیاستهائی که در مواردی چندان با واقعیتهای موجود در کشور هم‏خوانی و هم‏ صدائی نداشت و لزوما بدنبال خود سیاستهای بسیار انبساطی اواخر سال 64و اتخاذ سیاستهای هماهنگ اقتصادی-بازرگانی با هدف‏ متمرکز کردن این سیاستها،ویژگی مهم مقررات صادرات و واردات سال جاری است

منشاء بخش مهمی از فشارهای تورمی نه عوامل اقتصادی، بلکه نیروهای سیاسی و اجتماعی هستند و تنها از دریچه‏ علم اقتصاد نمی‏توان به تجزیه و تحلیل آنها نشست.

سال 65 را به همراه آورد،این مقررات را به عاملی نه در سوی تخیف تشنجات‏ و تنش‏های اقتصادی-اجتماعی جامعه،بلکه در راستای تشدید آن در آورده بود.

قانون صادرات و واردات سال جاری در مجموع مقرراتی انقباضی است‏ که درپی اتخاذ سیاستهای ضد تورمی تدوین شده است.در این قانون با وضع‏ مقرراتی شدید،کوشش شده است که تقاضا برای ارز غیردولتی تقلیل یابد تا از این طریق قیمت آن کاهش یافته،و تحت کنترل در آید.دامنه این سیاست تا تعیین نرخ ارز صادراتی نیز گسترش یافت بطوریکه چگونگی خرید و فروش‏ ارز صادراتی(واریز نامه)نیز تحت ضوابطی قرار گرفته است.به موجب ماده‏ 20 قانون«واریز نامه»در حکم اوراق بهادار موضوع تاسیس بورس(مرکز معاملات اوراق بهادار مصوب 1345)شناخته شده است تا نرخ خرید و فروش‏ آن با دخالت بانک تعیین شود.

علاوه برآن،حتی برای کالاهای همراه مسافر نیز ضوابطی سختی اعمال‏ شده تا به بخشی از جریان خروج ارز و ورود کالا از این طریق که الزاما معلول‏ بازار آزاد ارز است،مهار زده شود.